

بررسی کتاب

ساختمان خورشید

و حرف های دیگر

مطالعه ی کتاب بالا عقده ای سخت جان را در دل من گشود. و این حرف و نوشته نتیجه آن گشایش است:

در عصری زندگی می کنیم که دامنه ی اعمال نفوذ و سیاست بازی های دول حتا به حیطه ی علم و هنر کشیده شده. حقایق قاطع علمی (در فیزیک و نجوم و اقتصاد و فلسفه و ...) را تا آن جا افشاء می کنند و میان مردم رواج می دهند که «سیاست روز» جهان می خواهد. علم و هنر تا آن جا مجاز شمرده می شود که تزلزلی در قالب های ذهنی مردم ایجاد نکند، بلکه آن ها را در اعتقاد به قالب های فکری ساخته و پرداخته ی «سیاست روز» جهان پابرجاتر کند.

لازم نمی بینند دانسته شود که مسافرت های فضایی و نشستن بر سطح کره ی ما خود به خود بعضی قالب های ذهنی پیش را درهم می ریزد و فکرهای نوی نتیجه می دهد. به نظرشان همین قدر که دو سطر خبر راست و دروغ در روزنامه های عصر خوانده شود یا نشود، کافی است...

فیلم های آمریکایی هر روز بر پرده سینماهاست و در هر کدام چاپایی از سیاست خارجی دولت آمریکا. کم تر فیلمی از آن دیار را می توان با اطمینان خاطر تماشا کرد

و گفت که سازنده ی فیلم در پی فریفتن تماشاچی و دست برد زدن به مغز و جان او نیست.

آدم های اغلب فیلم های آمریکا مردمان «راحت و مثلاً خوشبخت و بی غصه ای» هستند، یا اگر هم در اوایل و اواسط فیلم با نامرادی روبرو می شوند، حتماً در آخر فیلم به وصال و مراد می رسند و فیلم همیشه «پایان خوشی» دارد. یعنی که هر چه تلاش و کوشش و مشقت بوده، تمام شده و اکنون دوران «خوشی و خوشبختی» است.

آه، که مردم از دست این خوشبختی فراوانی که زیر دست و پا ریخته! قهرمانان فیلم های این جوری آمریکایی گویی که «امید»، خوشبختی، خوشگذرانی، عشق پایین تنه ای و جوانی و سبک باری و بی خیالی و» به ارمغان می آورند.

یک روز باید خصوصیت های دیگر فیلم های این جوری آمریکایی و بعد ایرانی را روشن کنیم.

نویسنده ای که سخنی خلاف سخن رانی ها و مصاحبه های مطبوعاتی و تلویزیونی سران آمریکا دارد، ناشناس می ماند و «مطرود» شناخته می شود، اما کتاب های دیگران را ده ها ده ها در کتاب خانه های آمریکایی کشورهای دیگر جا می دهند. روزنامه ها کشف کوچکی از آن ها را با آب و تاب و حروف درشت در صفحه اول می نویسند، اما کشف های علمی دیگران را گویی که اهمیتی ندارد، نادیده می گیرند و تنها خبر مختصرش را در ستون های آخر روزنامه می آورند.

کتاب های مثلاً علمی خود را خروار خروار ترجمه و چاپ می کنند (البته در رشته های مختلف اعم از علوم اجتماعی، اقتصادی و تربیتی و غیره) و افکار علمی به اصطلاح «آمریکانیزه» و بی تفاوت را با خیال راحت جلو مردم می ریزند. اگر هم یکی دو تا کتاب خوب در بیاید، زیر آن همه زباله گم و گور می شود و فقط خواننده ی

تیزهوش و سمجی می تواند آن یکی دو تا را پیدا کند و بقیه را دور بریزد. گویی به دست خود آدم را وا می دارند به هر چیز آمریکایی با شک و تردید نگاه کند.

لذتی که از درک حقایق علمی مثلاً در باره ی آسمان و گذشته ی انسان و زمین دست می دهد، با هیچ لذت دیگری قابل مقایسه نیست. البته برای خواننده ی تازه پا، فهم و تحلیل کتاب های علمی سخت است و شاید آن ها را خسته کننده هم بیابد. اما این امر موقتی است.

یکی از کتاب های علمی ای که در این اواخر مدت ها مرا به خود مشغول کرده و به فکر واداشت و من از آن لذت فراوان بردم، همین کتاب «ساختمان خورشید» است. کتاب را با لذت تا آخرین کلمه خواندم و دلم قرص بود که نویسنده و ناشر در پی ربودن فکر و جان من نیستند و نمی خواهند «علم قرنطینه شده» و نامربوط به زندگی تحویل بدهند.

نویسنده حقایق علمی عریانی در باره ی آسمان بی کران و اجرام بی شمار و ساختمان و ترکیب و روابط آن ها با روشنی تمام بیان می کند و گاه گاهی استنباط های نوی از حقایق بیان شده می کند و به زندگی و افکار و استنباط های قدیمی رجوع می کند و دو استنباط تازه و کهنه را برابر هم می نهد.

البته در قضاوت هرگز به روی خواننده بسته نیست و بر عهده ی اوست که استنباط اصلی و بیشتر را بکند. به علاوه هرگز نمی تواند- به قول تبریزی ها- لقمه را بچود و توی دهان خواننده بگذارد. خواننده باید خودش مانند نویسنده زحمت بکشد و از لابلای کلمه ها و جمله های نویسنده افکار او را بیرون بکشد. به اصطلاح خواننده باید عارف باشد، به اشارتی بس کند و از آن اشارت تفصیل ها بخواند. همه چیز را که نمی شود به تفصیل و جزء جزء گفت. نویسنده ممکن است سر نخ را به

دست خواننده بدهد و این خود اوست که باید تفکر و تحقیق کند ببیند آخر نخ به کجا بند است.

صحبت از «ساختمان خورشید» بود.

این، نخستین کتابی نیست که از تحقیقات علمی دانشمندان شوروی به فارسی در می آید. قبلاً هم کتاب های دیگری داشته ایم، از جمله: *منشاء و تکامل حیات* اثر پروفیسور اپارین، و *منظومه ی شمسی* تألیف اتو اشمیت، *منشاء انسان* اثر میخائیل نستورخ، *بومی کردن گیاهان* اثر میچورین و ...

کتاب حاضر شش فصل دارد. فصل اول مربوط به ستارگان و جهان های دور دست به طور کلی است. فصل دوم از هسته ی اتمی و دگرگونی های آن بحث می کند. چهار فصل باقی از عناصر تشکیل دهنده و ساختمان و اوضاع اندرون و تطور و تاریخچه ی خورشید و اختراع کوسموگنی (رشته ای نو در ستاره شناسی) صحبت می دارد.

کتاب «ساختمان خورشید» با حجم و قطع کوچکش به خیلی پرسش های پیچیده و عمیق علمی جواب های قاطع و روشنی می دهد.

مثلاً پرسش های زیر:

۱- آیا نور هم مثل اجسام دیگر مثلاً سنگ و آهن جرم دارد؟ بلی. با آزمایش های زیادی نتیجه گرفته شده که نور- به هنگام تابش روی اجسام- بر روی سطح آن ها فشاری وارد می کند و همین واقعیت ثابت می کند نور دارای جرم است. (ص ۴۴)

۲- آیا ستارگان تازه ای در حال تکوین هستند؟ (ص ۱۶۱)

۳- آیا دنیا آغازی داشته است؟ (ص ۱۶۷)

۴- منبع انرژی و حرارت نورخورشید چیست؟ (۱۳۴)

۵- آیا خورشید ما که خورشید متوسطی است و فقط ۶۰۰۰ درجه ی سانتی گراد حرارت دارد (حرارت خورشیدهای دیگر تا ۲۵۰۰۰ درجه ی سانتی گراد

می رسد) (ص ۶) روزی خاموش خواهد شد؟ (ص ۱۵۶) و در آن صورت تکلیف بشر چیست؟ آیا می توان به کرات دیگر مهاجرت کرد؟ (فصل آخر)
۶- آیا می توان به راز اجسام فلکی پی برد؟ نویسنده با قاطعیت تمام اظهار می کند بلی، به کمک کارهایی که صورت گرفته و می گیرد، انسان قادر است ساختمان و چگونگی اجرام فلکی را کشف کند. (ص ۷۳)

موفقیت بیشتر مترجمان هوشیار و علاقه مند و ناشر را در ترجمه و نشر کتاب های علمی بیشتر و درست و «الک نشده» خواهانیم.

چنگیز مرآتی

مهدآزادی آدینه

اردیبهشت ۱۳۴۵

منبع: انتشارات روزبهان سال ۱۳۴۲ مجموعه مقاله های صمد بهرنگی

بازنویس: یاشار آذری

آدرس اینترنتی کتابخانه: <http://www.javaan.net/nashr.htm>

آدرس پستی: BM IWSN, London WC1N ۳XX, UK

ایمیل: yasharazarri@yahoo.com

مسئول نشر کارگری سوسیالیستی: یاشار آذری

تاریخ بازنویسی: ۱۳۸۴